

# سخن نخست

## به قلم مدیرمسئول

### انسان و مدنیت

خداوند متعال آدمی را مدنی‌الطبع آفریده است. طبیعتی که انسان را به زندگی زوجیت در مقیاس کوچک و زندگی در جمع، در دایره وسیع‌تر سوق می‌دهد. این طبیعت، با زندگی فردی سازگار نبوده و با انزواگری و گوشه‌گیری، سر سازش ندارد. زوایای نگاه آدمی را فراتر از خودیت و خودبینی می‌داند و از خودپسندی و خودآرایی، گریزان است. وحدت را صرفاً در ذات حق و خود را به روابط با جامعه و دیگران، نیازمند می‌بیند. این، حقیقت خلقت آدمیان است. کمال و ماندگاری این خلقت در نشأی دنیا نیز زیر سایه همین دوئیت معنا پیدا می‌کند. حتی نهاد بقیه مخلوقات هم بر این اساس شکل گرفته است. لذا این جهت وجودی موجودات به ویژه انسان، غالباً بر کسی پوشیده نیست و هر فرد به فراخور توان و درک خویش - ثبوتاً و اثباتاً - از آن مطلع و بهره‌مند است.

به واقع، کشش نیروی درونی انسان به نوع‌گرایی و جمع‌پذیری، تکمیل‌فرآیندی است که بشر برای حیات خود و رسیدن به کمالات مادی و معنوی، بدان نیازمند است. بی‌تردید اگر زندگی اجتماعی و عقول جمعی در کنارهم قرار نمی‌گرفت، بشر توفیق چندانی در زندگانی نداشت و ناکام، بازمانده و سرخورده در دنیا رحل اقامت می‌گزید؛ اما الگوی نقشه‌های زندگی بشرِ دیروز و امروز، پیشرفت‌های دنیوی و ساعات آخروی را رقم زد تا انسان به بخشی از حقیقت وجودی خود دست یابد و زمینه‌ساز مهندسی برنامه‌های حیات اجتماعی و تعالی، تکامل و تعامل بین اقوام، اصناف و ملل باشد. بنابراین، تمدن‌پذیری و مدنیت فطری انسان، سنگ‌بنای مقاصد متعالی در زندگی دنیایی و جاودانگی عقبایی است. لازمه‌ی نیل به این اهداف، ایجاد زمینه‌های مناسب و پرورش هنجارهای لازم در افراد و اشخاص است. افرادی که موجبات دوام و بقای جامعه را فراهم می‌آورند.

با این وصف، اگر چه همین فرد و اشخاص، ساختار اولیه اجتماع را تشکیل می‌دهند؛ اما زندگی در جامعه و به صورت جمعی و حضور و بروز در آن، اقتضانات، شرایط و ضوابطی دارد. جامعه، دارای سلاقی، خواسته‌ها و نیازهای متعدد، متکثر و متفاوتی است. این تفاوت‌ها به همراه انگیزه‌های مادی و منافع شخصی صرف، بسترهای آماده‌ای هستند تا فردگرایی و گریز از روح تعاون، همراهی و همدلی جمعی، تحت عنوان مقولات ارزشی مورد اقبال قرار گرفته و رشد نمایند و در ادامه، عوارض نامطلوب و ناهنجاریهای خسارت‌باری را در جامعه از سویی، و در زندگی فردی و شخصی از سوی دیگر، پدید آورند. لازم است برای حرکت‌های رو به جلو در جامعه، یک سلسله برنامه‌های منسجم و کارشناسی شده مهیا گردد تا هم تضمینی برای تعامل و تعاطف هر چه بیشترِ آحاد جامعه با یکدیگر باشد و هم باعث ساماندهی و مدیریت پایدار، صحیح و سالم بر منابع اجتماعی، فکری و فرهنگی گردد.

### ضرورت گفت و گو

یکی از عناصر و نمادهای مهم در جامعه‌ی توسعه یافته، رواج مقوله «گفت و گو» در آن جامعه است. گفت و گو در ابعاد و اندازه‌های مختلف و متنوع. گفت و گو در سطح همگانی و در بین اقشار مختلف مردم. گفت و گو در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی. گفت و گو در عرصه‌ی دینی و دنیایی. گفت و گو با عقاید و ادیان مخالف به صورت فرد با فرد یا جامعه با جامعه با اعتقادات و مذاهب گوناگون. خلاصه آن که: نمایش گفت و گو به عنوان یک فرهنگ عمومی و الگوی ممتاز در تعاملات و تبادلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ...

بر این «گفت و گو» تعامل و تفاهم، و پیام‌آوری آن؛ ارتباط صمیمی، دوستانه و مخلصانه‌ی افراد، ادیان و

تمدن‌های مختلف با یکدیگر است. همانطور که خاستگاه «گفت و گو» هم غالباً تخالفات و تعارضات در موضوعات گوناگون فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. گفت و گو نه تنها یک راه حل اساسی بلکه یک گفت‌وگو برتر محسوب می‌شود. با تکیه بر این گفت‌وگو، صلح و آرامش در جامعه و در سطح بین‌الملل پدید خواهد آمد و دنیا، روی خوش به هم‌نوعان خود نشان خواهد داد و جنگ و خونریزی، جنایت و خیانت به نازل‌ترین سطح خود کاهش خواهد یافت.

بنابر این، گفت و گو قویترین و مؤثرترین عامل در ایجاد روابط و تعاملات فراگیر در جامعه است. رواج فرهنگ گفت و گو در سطح جامعه نشان دهنده بلوغ فکری و فرهنگی آن جامعه است. در مقابل، عدم اهتمام مردم جامعه به مقوله گفت و گو، معادلات اجتماعی آن جامعه را به هم می‌ریزد و اختلافات و تشنج‌ها را دامن می‌زند. بسیاری از کینه‌ها و دشمنی‌ها با نبود گفت و گو دو جانبه یا چند جانبه افروخته می‌مانند و درمانی به جز مذاکره طرفینی و رفع سوء تفاهات و حل مشکلات در سایه گفت و گو، ندارند. اذعان این مطلب دور از واقعیت نیست که: اگر مردم جامعه‌ای خواهان اعتدال در زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، علمی و حتی اقتصادی باشند، راه رسیدن به آن، احیای منطق گفت و گو است. با منطق گفت و گو سخت‌ترین مشکلات عرصه‌های اجتماعی و سیاسی حل خواهد شد و دامن جامعه از آلودگی به حقد، کینه و نزاعات، پاک خواهد گشت. این همه و بسیاری از مسایل دیگر که در این مقال بدان پرداخته نشده است، با منطق «گفت و گو» راه پُر فراز و نشیب خود را به مسیر هموار بدل خواهد نمود.

آنچه به نظر رسید، کلماتی چند ناظر به بُعد جامعه شناختی موضوع «گفت و گو» بوده است؛ اما از منظر اسلام، دلایل، آیات و روایات زیادی بر این موضوع گواه بوده و بر آن سفارش و تأکید شده که ما به جهت اجمال‌گویی در این مختصر، از آن صرف نظر می‌کنیم و خوانندگان گرامی را به مقالات مندرج در نشریه ارجاع می‌دهیم. لیکن نکته‌ای که یادآوری آن ضروری به نظر می‌رسد این است که: مقوله‌ی «گفت و گو» یک فکر اصیل اسلامی است. از نظر قرآن کریم خشونت‌های مذهبی و ستیزه‌جویی‌های اعتقادی و کینه‌توزی و دشمنی نسبت به پیروان ادیان دیگر، ناروا و ممنوع است تا چه رسد به درون مذهب و مکتب و نسبت به اشخاص خودی و افراد هم

مسلك وهم‌آیین. به هر حال، تاریخ اسلام و گفت و گوی پیامبر رحمت ﷺ با مشرکان و اهل کتاب و اقوام و قبایل مختلف، و همچنین گفت و گوهای علمی و عقیدتی امامان معصوم ﷺ با شخصیت‌های مذهبی و اندیشمندان آن دوره، گواه روشنی بر مدعاست.

علیرغم تبلیغات وسیع و پُر دامنه علیه مسلمانان نسبت به خشونت‌گری در اسلام، پاره‌ای از نویسندگان متفکر و منصف غربی؛ مانند گوستاو لوبون، بر تساهل مذهبی اسلام نسبت به مذاهب دیگر اذعان نموده و می‌گویند:

«تساهل مذهبی اسلام نسبت به مذهب یهود و نصاری...، خیلی به ندرت می‌توان در مذاهب دیگر مشاهده نمود».<sup>۱</sup>

ایشان معتقد است:

«اخلاق مسلمانان صدر اسلام از اخلاق امت‌های روی زمین و بخصوص ملت‌های نصرانی به‌طور نمایانی بهتر و برتر بوده است. آنان در عدالت، میانه‌روی، مهربانی، گذشت، وفای به عهد و بلندمندی مشهور و معروف بودند و رفتارشان با دیگر ملت‌های اروپایی، بخصوص آنهایی که در زمان جنگ‌های صلیبی بودند، متفاوت بود».<sup>۲</sup>

همانطور که اشاره رفت، شواهد فراوانی از آموزه‌های مکتب اسلام را می‌توان بر تعامل افراد بشر و گفت و گوی ملل و نخل با یکدیگر، برشمرد که این مقال را مجال پرداختن بیشتر به آن نیست.

در خاتمه با توجه به نگاه موضوع محوری نشریه «صفیر حیات»، شماره جدید این نشریه نیز به ابعاد مختلف موضوع «گفت و گو» پرداخته است. مقالات ارائه شده در این شماره با طرح مسأله «گفت و گو» و اهمیت و کاربرد آن در جوامع امروزی، موانع موجود در پیش روی این موضوع را بررسی نموده و با برشمردن فرآیند تقویت، توسعه و تکامل آن، راهکارهای مناسبی را پیرامون این موضوع، مطرح کرده‌اند. امید آنکه مورد توجه خوانندگان محترم قرار گیرد. انشاء الله.

مدیر مسئول

#### پانوشته‌ها:

۱. گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ج ۴، ص ۱۴۸.
۲. به نقل از: دکتر محمد رحیم عیوضی، راهکارهای مناسب در عرصه گفت و گوی تمدن‌ها، چیستی گفت و گوی تمدن‌ها، ص ۳۵۱.